

ضرب المثل قرآنی

مثل زندگی دنیا و باران

مالک یوسفی
دبیر دینی و قرآن از منطقه‌ی بيله‌سوار

«اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرَاهُ مَضْفَرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْأَخْرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَعْرِفَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ»^۱

«بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل‌پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرو می‌برد، سپس خشک می‌شود به گونه‌ای که آن را زرد رنگ می‌بینی، سپس تبدیل به گاه می‌شود. و در آخرت، عذاب شدید است و مغفرت و رضای الهی، و به هر حال زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست.»

توضیح

پنج خصلت زندگی دنیا: ۱. لعب، ۲. لهو، ۳. زینت، ۴. تفاخر، ۵. تکاثر

از شیخ بهایی نقل شده که گفته است: این پنج خصلت که در آیه‌ی شریفه ذکر شده، از نظر سنین عمر آدمی و مراحل حیاتش مترتب بر یکدیگرند، چون تا کودک است حریص در لعب و بازی است، همین که به حد بلوغ می‌رسد و استخوان‌بندی‌اش محکم می‌شود به لهو و سرگرمی‌ها علاقه‌مند می‌شود. پس از آن که بلوغش به حد نهایت رسید، به آرایش خود و زندگی‌اش می‌پردازد و همواره به فکر این است که لباس فاخری تهیه کند، مرکب جالب توجهی سوار شود، منزل زیبایی بسازد و همواره به زیبایی و آرایش خود پردازد و بعد از این، به سنین کهولت می‌رسد. آن وقت است که بیش‌تر به حسب و نسب می‌بالد و چون سالخورده شد همه‌ی کوشش و تلاشش در جهت افزون‌طلبی اموال و اولاد صرف می‌شود.

مراحل نخستین، تقریباً بر حسب سنین عمر مشخص است، ولی مراحل بعد در افراد کاملاً تفاوت دارد. بعضی از آن‌ها، مانند مرحله‌ی تکاثر اموال، تا پایان عمر ادامه دارد. هر چند بعضی معتقدند که هر دوره‌ای از این دوره‌های پنج‌گانه هشت سال از عمر انسان را می‌گیرد و مجموعاً به چهل سال بالغ می‌گردد و هنگامی که به این سن رسید شخصیت انسان تثبیت می‌گردد.

این امر نیز کاملاً ممکن است که بعضی از انسان‌ها شخصیتشان در همان مرحله‌ی اول و دوم متوقف گردد و تا پیری در فکر بازی و سرگرمی و معرکه‌گیری باشند، یا در دوران تجمل‌پرستی متوقف

گردد و ذکر و فکرشان تا دم‌مرگ فراهم کردن خانه و مرکب و لباس زینتی باشد. این‌ها کودکانی هستند در سن کهولت و پیرانی هستند با روحیه‌ی کودک!

سپس، با ذکر یک مثال، آغاز و پایان زندگی دنیا را برابر دیدگان انسان‌ها مجسم می‌کند و می‌فرماید: همانند بارانی است که از آسمان نازل می‌شود و چنان زمین را زنده می‌کند که گیاهان‌شان زارعان را در شگفتی فرو می‌برد. سپس خشک می‌گردد، به گونه‌ای که آن را زرد می‌بینی، آن گاه درهم شکسته و خرد و تبدیل به گاه می‌شود: «كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرَاهُ مَضْفَرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا.»^۲ کفار در این جا به معنی کافران و افراد بی‌ایمان نیست، بلکه به معنای کشاورزان است، زیرا اصل معنی کفر به معنی پوشاندن است و چون کشاورز بذرافشانی می‌کند و آن را زیر خاک می‌پوشاند از این رو به او «کافر» می‌گویند. لذا گاهی کفر به معنی قبر نیز آمده است، چون بدن میت را می‌پوشاند و گاه به شب نیز گفته می‌شود چرا که تاریکی‌اش همه‌جا را می‌پوشاند.

نکته: زندگی دنیا مجموعه‌ای از این انگیزه‌هاست

در آیات مختلف قرآن، گاه زندگی دنیا به لعب و لهو توصیف شده، مانند: «وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ.»^۳ و گاه از آن به متاع غرور تعبیر شده، مانند: «وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ.»^۴

گاه نیز به عنوان متاع قلیل توصیف شده، مانند: «مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَ لَا تُظَلَمُونَ فَتِيلًا.»^۵ و گاه به امری عارضی و ظاهری و زودگذر: «تَبْتَعُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ.»^۶

از مجموعه‌ی این تعبيرات و تعبیرهای دیگر قرآن در مورد زندگی مادی و مواهب آن به‌خوبی روشن می‌شود که اسلام برای آن ارزشی ناچیز قائل است و تمایل و دل‌بستگی به آن را ناشی از حرکت‌های بی‌هدف (لعب)، هدف‌های سرگرم‌کننده (لهو)، تجمل‌پرستی (زینت)، حب مقام و ریاست و برتری‌جویی بر دیگران (تفاخر) و حرص و آز و افزون‌طلبی (تکاثر) می‌شمرد و عشق به آن را سرچشمه‌ی انواع مظالم و گناهان می‌داند. البته، اگر این مواهب مادی تغییر جهت دهند و نردبانی برای رسیدن به اهداف الهی گردند، سرمایه‌هایی می‌شوند که خدا آن‌ها را از مؤمنان می‌خرد و بهشت جاویدان و سعادت ابدی به آن‌ها می‌بخشد: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ.»^۷

اسلام برای متاع دنیا ارزشی ناچیز قائل است و تمایل و دل‌بستگی به آن را ناشی از حرکت‌های بی‌هدف (لعب)، هدف‌های سرگرم‌کننده (لهو)، تجمل‌پرستی (زینت)، حب مقام و ریاست و برتری‌جویی بر دیگران (تفاخر) و حرص و آز و افزون‌طلبی (تکاثر) می‌شمرد و عشق به آن را سرچشمه‌ی انواع مظالم و گناهان می‌داند



پی‌نوشت

۱. سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۲۰.
۲. انعام، آیه‌ی ۳۳.
۳. آل‌عمران، آیه‌ی ۱۸۵.
۴. نسله، آیه‌ی ۷۷.
۵. نسله، آیه‌ی ۹۴.
۶. توبه، آیه‌ی ۱۱۱.